

تبیین رابطه پایداری اقتصادی با احساس امنیت اجتماعی ساکنان مناطق روستایی شهرستان اردبیل

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۷/۲۵

وکیل حیدری ساربان^۱

از صفحه ۳۳ تا ۵۸

چکیده

زمینه و هدف: احساس امنیت اجتماعی به عنوان یک پدیده روان‌شناختی و اجتماعی، تحت تأثیر تجربه‌های مستقیم و غیرمستقیم افراد از شرایط متفاوت اجتماعی است که انسان‌ها برای دستیابی به زندگی سالم و تداوم روابط اجتماعی، نیازمند آن هستند و احساس امنیت پیش‌نیاز هرگونه توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی محسوب شده و با سطح پیشرفت جامعه در ارتباط است. آگاهی از وضعیت احساس امنیت ساکنان یک اجتماع نقش مؤثری در شناخت چالش‌ها و راهکاری توسعه یک جامعه داشته و در جهت تقویت زیرساخت‌های آن عمل می‌کند. هدف این مقاله، تبیین رابطه پایداری اقتصادی با احساس امنیت اجتماعی ساکنان روستایی شهرستان اردبیل است.

روش‌شناسی: این تحقیق، از نوع کاربردی و به روش تحلیلی-تبیینی است. روش کار به صورت میدانی بوده و اطلاعات از طریق پرسش‌نامه از ۳۸۳ نفر از روستاییان شهرستان اردبیل جمع‌آوری شده‌است. روایی صوری پرسش‌نامه، توسط پانل متخصصان مورد تأیید قرار گرفت. مطالعه راهنما در منطقه مشابه جامعه آماری با تعداد ۳۰ پرسش‌نامه صورت گرفت و با داده‌های کسب شده و استفاده از فرمول ویژه آلفای کرونباخ در نرم‌افزار SPSS، پایایی بخش‌های مختلف پرسش‌نامه تحقیق ۰/۷۲ الی ۰/۸۱ به دست آمد.

یافته‌ها: یافته‌های استنباطی تحقیق، نشان داد که به جز متغیر سازگاری با محیط، بین تمامی متغیرهای پژوهش (رفع فقر، کاهش آسیب‌پذیری، تنوع‌بخشی، کارایی و بهره‌وری) با احساس امنیت اجتماعی در مناطق روستایی شهرستان اردبیل، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

نتیجه‌گیری: نتایج آزمون رگرسیون چندگانه خطی، نشان داد که ۴ متغیر پیش‌بین شامل متغیر رفع فقر، کاهش آسیب‌پذیری، کارایی و میزان بهره‌وری ۴۱ درصد ($R^2 = 41$) از میزان واریانس متغیر وابسته (احساس امنیت اجتماعی) را پیش‌بینی کردند.

کلیدواژه‌ها

توسعه اقتصادی، پایداری اقتصادی، امنیت اجتماعی، توسعه روستایی، شهرستان اردبیل.

امنیت از اساسی‌ترین نیازهای بشر است و قدمتی به اندازه عمر بشر دارد و دولت‌ها برای تأمین این نیاز اساسی، همواره امنیت را اولویت اول سیاست‌های خود قرار داده و برای کسب، حفظ و گسترش آن تلاش می‌کنند (یاوری بافقی، صالحی صدقیانی و هاشمی، ۱۳۸۹: ۲۵) و از گذشته‌های دور تاکنون، انسان‌ها همواره - در طول زندگی اجتماعی خویش - در پی تحقق این آرزو بوده‌اند که تمامی افراد جامعه، حریم خویش را از هرگونه تعرض و تهدیدی، آزاد و ایمن حس کنند و بتوانند در سایه امنیت به سوی کمال و تعالی پیش روند؛ زیرا بدون امنیت در هیچ جامعه‌ای امکان رشد، ترقی و نیز شکوفایی استعدادها وجود ندارد. اهمیت امنیت تا جایی است که حضرت علی (ع) آن را به‌مثابه گواراترین نعمت، مایه رفاه زندگی و یکی از اهداف ذاتی و مأموریت‌های اساسی حکومت اسلامی دانسته است (محمدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۸).

در ارتباط با پایداری اقتصادی و احساس امنیت اجتماعی، باید گفت که رشد اقتصادی و توسعه در همه زمینه‌ها، کلید پاسخ‌گویی به بسیاری از نیازهای شهروندان، از جمله جوانان جویای کار است (رشیدی، ۱۳۷۹: ۶۵). تنها جامعه مولد، دارای رشد اقتصادی و به دور از فقر، می‌تواند برای دفاع از خود و استقرار امنیت در سطح اجتماعی و ملی آمادگی داشته باشد. به همین علت، یکی از ابعاد اصلی و انکارناپذیر تأمین امنیت اجتماعی بشر، در قالب نیازهایی محدود می‌شود که زیربنای اصلی آن‌ها اقتصاد است تا دغدغه احساسی افراد برای برقراری امنیت و آرامش حل شود.

در طی چند سال گذشته، در نواحی روستایی شهرستان اردبیل اتفاقات و مسائلی رخ داده که میزان شاخص‌های احساس امنیت اجتماعی مناطق روستایی را از منظر امنیت جانی، امنیت مالی، امنیت اقتصادی، امنیت شغلی، امنیت اخلاقی، امنیت حقوقی، امنیت نوامیس، امنیت فرهنگی، امنیت عاطفی، احساسی، امنیت فکری و امنیت قضایی و... تحت شعاع قرار داده است که به نظر می‌رسد بخشی از این مشکلات، به دلیل عدم توجه به بُعد پایداری اقتصادی از منظر پایین بودن عدالت اقتصادی، ثبات اقتصاد و رفاه اقتصادی است. به این خاطر، این تحقیق به دنبال آن است که این سؤال را مورد بررسی

و کاوش قرار دهد که آیا بین پایداری اقتصادی و احساس امنیت اجتماعی در مناطق روستایی رابطه وجود دارد؟

بیان مسئله

به باور گرابوسکی^۱ (۱۹۹۵)، احساس ناامنی بدتر از خود ناامنی است. وقوع یک مورد جرم یا پدیده ناامنی، ممکن است یک یا دو قربانی داشته باشد؛ اما همین حادثه ممکن است هزاران نفر را بترساند و شیوه زندگی و طرز تفکر آن‌ها را تغییر دهد. به زعم لیسکا، لاورنس و سانچیکریکو^۲ (۱۹۸۲)، ترس از ناامنی، می‌تواند تأثیرات روان‌شناختی گسترده‌ای، شامل اضطراب، بی‌اعتمادی، احساس بیگانگی، انزوا و عدم رضایت از زندگی ایجاد کند. از سوی دیگر، به عقیده برخی از متفکران، احساس امنیت اجتماعی، از خود امنیت اجتماعی مهم‌تر است؛ زیرا ممکن است در جامعه‌ای، امنیت اجتماعی وجود داشته باشد؛ اما در نتیجه فقدان احساس آن، هزینه بسیار زیادی باید صرف شود تا احساس امنیت به وجود بیاید. احساس امنیت اجتماعی را می‌توان نوعی ذهنیت و جهت‌گیری روانی مثبت (رضایت‌بخش، قانع‌کننده و آرام‌بخش) افراد، نسبت به عدم تأثیرگذاری حضور و بروز رویدادها و وقایع ضد امنیتی (تهدیدها) در شرایط فعلی و آتی در حوزه امنیت اجتماعی، ثبات سیاسی، انسجام هویتی، یکپارچگی و امنیت سرزمین دانست (حاجیانی، ۱۳۸۴: ۲۸)؛ علاوه بر این، احساس امنیت اجتماعی، یکی از پیش‌نیازهای توسعه کشور است و بدون شک، با وضعیت فرهنگی جامعه ارتباط تنگاتنگی دارد. پایبندی افراد و نهادهای جامعه به ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته شده در فرهنگ، نوعی مصونیت اجتماعی ایجاد می‌کند که بالطبع، موجب امنیت پایدار می‌شود. هر چه امنیت اجتماعی در جامعه گسترش یابد؛ پیشرفت در سایر ابعاد توسعه تسریع می‌شود و افراد جامعه به سمتی سوق پیدا می‌کنند که در سازندگی و درخشش جامعه تأثیر می‌گذارند و از آسیب‌ها و انحراف‌ها مصون می‌مانند (یزدانی، ۱۳۸۹: ۵۴).

بررسی متون توسعه روستایی نشان می‌دهد؛ از دلایل عمده ضعف ساختاری روستاها، مشکلات اقتصادی آن‌هاست که تبلور آن‌ها را می‌توان در عدم تنوع مشاغل، پایین بودن سطح اشتغال، پایین بودن دستمزدها، ناپایداری فعالیت‌های اقتصادی، نامساعد بودن

1. Gerabuski
2. Lisca, Lurance and Sanchezrico

شرایط کار (مانند بیمه و بازنشستگی) و عدم امکان تأمین معاش به دلیل بیماری، مشاهده کرد و این متغیرها از جمله مواردی هستند که آرامش و آسودگی خیال را از افراد سلب کرده؛ مانع زندگی متناسب شده و زمینه‌های جرم‌زایی و آسیب‌پذیری را رقم می‌زند. همچنین، ضرورت مطالعه و پژوهش پیرامون پایداری اقتصادی و احساس امنیت اجتماعی، از آنجایی ناشی می‌شود که تهدیدات داخلی بالقوه و بالفعل در کشورهای کمتر توسعه‌یافته، اغلب امنیت اجتماعی این جوامع را به خطر می‌اندازد. بر همین اساس، شناسایی عوامل و عناصر تأمین امنیت اجتماعی و احساس ایمنی، از پیش‌شرط‌های اساسی در جهت برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، برای ارتقای سطح امنیت اجتماعی به شمار می‌رود و از نقش به‌سزایی در برنامه‌ریزی راهبردی دولت‌ها برخوردار است؛ به عبارتی، کسب آگاهی از میزان بهبود شاخص‌های احساس امنیت اجتماعی مناطق روستایی و تأثیر مؤلفه‌های پایداری اقتصادی در بهبود این شاخص‌ها، یکی از مهم‌ترین ابزارهای تصمیم‌گیری است که مسئولان و مدیران، باید به آن توجه جدی داشته باشند. به‌بیان دیگر، جهت مساعدت به توسعه پایدار مناطق روستایی، لزوم توجه به وضعیت شاخص‌های احساس امنیت اجتماعی و برنامه‌ریزی بر اساس نوسانات آن‌ها، ضروری و اجتناب‌ناپذیر است و با توجه به این‌که احساس امنیت اجتماعی ساکنان مناطق روستایی، به عنوان یکی از ابعاد مهم توسعه همه‌جانبه روستایی برای برنامه‌ریزی مدیریت توسعه پایدار روستایی مطرح است؛ بنابراین، سهم به‌سزایی در توسعه پایدار روستایی خواهد داشت.

مبانی نظری

«امنیت اجتماعی» به مفهوم فنی کلمه- برای اولین بار در سال ۱۹۹۳- توسط اندیشمندی چون باری بوزان^۱، ویور^۲ و لمیتر^۳ به عنوان مکتب کپنهاک مطرح شد. انگیزه طرح این عبارت، تهدیداتی بود که «هویت گروه‌ها» را در معرض خطر قرار داده بود. اعضای این مکتب معتقدند که زبان، تاریخ، فرهنگ و حتی نژاد و مرزهای سیاسی در تعیین هویت مهم هستند (نویدنیبا، ۱۳۸۸: ۶۵).

امنیت از ریشه لاتین است که در لغت به معنای «نداشتن دلهره و دغدغه» است. در

1. Barry Bvzan
2. Waiver
3. Lmyter

واقع امنیت؛ یعنی رفع تهدید و استفاده بهینه از فرصت؛ بنابراین امنیت، دارای دو عنصر اساسی «تهدید» و «فرصت» است و برقراری امنیت، منوط به رهایی نسبی از تهدید و بهره‌گیری از فرصت‌ها است (بختیاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۴۳)؛ همچنین، بررسی ادبیات پیرامون امنیت اجتماعی، نشان می‌دهد؛ نظریه‌ها در خصوص ماهیت امنیت، در بستر دو گفتمان اصلی سلبی و ایجابی یا منفی و مثبت یا گفتمان سنتی و نو مطرح شده‌اند که هر یک، بر وجه اخص از امنیت نظر دارند (نویدینیا، ۱۳۸۸: ۲۵). امنیت در هر دو بعد، با مجموعه‌ای از خطرها و تهدیدها مواجه است که برای از بین بردن یا به حداقل رساندن صدمه‌ها و مخاطره‌های پیش آمده، نیازمند توانمندی و قدرت است؛ اما از آنجا که نوع خطرها در وجه سلبی امنیت، به بقا و حیات معطوف است؛ با نوع خطرها در وجه ایجابی که ناظر به کیفیت زندگی هستند، متفاوت خواهد بود. خطرها در وجه سلبی: عینی، ملموس و قابل‌رؤیت؛ یعنی سخت‌افزاری و بُعد ایجابی خطرها: ذهنی، روحی، فکری و احساسی؛ یعنی نرم‌افزاری هستند (ترابی و گودرزی، ۱۳۸۵: ۲۶۴).

از منظر باری بوزان^۱ (۱۳۷۸)، امنیت اجتماعی به قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی با شرایط قابل قبولی از تحول مربوط است. مک سوینی^۲ در تعریف امنیت اجتماعی می‌گوید: «امنیت اجتماعی آن است که چگونه جوامع، منافع و هویتشان را خلق و بازتولید می‌کنند». ویور^۳ (۲۰۱۰)، «امنیت اجتماعی» را توانایی جامعه، برای حفظ ویژگی‌های اساسی‌اش تحت شرایط تغییر و تهدیدهای واقعی و محتمل تعریف می‌کند. در تحلیل گیدنز در رابطه با مخاطره و رهایی از مخاطره و امنیت؛ «امنیت وجودی»، یکی از صور مهم احساس امنیت تلقی شده است (گیدنز، ۱۳۷۷). وی معتقد است: «تهدیداتی که امنیت وجود انسان را در دوران جدید به خطر می‌اندازد، به واسطه خصلت مدرنیته و حرکت نهادهای مختلف اجتماعی به سمت دنیوی شدن شکل گرفته‌اند». بر اساس تحلیل گیدنز؛ زیستن در حوزه فرهنگ خطرپذیر جدید، به‌طور کلی با بی‌قراری توأم است و احساس اضطراب، ممکن است در جریان رویدادهایی که سرنوشت‌ساز هستند، آشکار شود (گیدنز، ۱۳۷۸).

واکاوی اسناد و مدارک، نشان می‌دهد؛ در زمینه بحث محوری امنیت دو رویکرد

1. Buzan
2. Mac Soeini
3. Weaver

اصلی، شامل رویکرد انفصالی و رویکرد اندماجی وجود دارد. رویکرد انفصالی، قدیمی‌ترین رویکرد به امنیت است که می‌توان ریشه‌های آن را در اولین تجمعات بشری جستجو کرد. مطابق این رویکرد، «امنیت» وضعیتی است که توسط قدرت، برای صیانت مردم در قبال تهدیدات بیرونی، تأسیس می‌شود. در این رویکرد، امنیت وضعیت طبیعی ارزیابی نمی‌شود، بلکه چنانکه هابز اظهار داشته: «امنیت کالایی ارزشمند است که باید در پی تولید آن بود و مناسبات و فرآیندهای طبیعی، قادر به تولید و عرضه آن نیستند» (کارگر و سرور، ۱۳۹۰: ۱۸۰). در رویکرد انفصالی، امنیت از درون جامعه نمی‌جوشد، بلکه آن را توسط دولت تولید می‌کند و جامعه موظف به منطبق کردن خود با آن و رعایت مقتضیات آن است (فوکو، ۱۳۹۱: ۳۲۸). مطابق رویکرد اندماجی، نه تنها تفکیک بین جامعه و دولت پذیرفته نیست، بلکه خود می‌تواند عاملی برای ایجاد ناامنی باشد. از این منظر، امنیت از درون جامعه جوشیده؛ بنابراین نه تنها امنیت اجتماعی، بلکه امنیت خارجی با عنایت به مناسبات داخلی (بین عناصر مختلف جامعه و حکومت) فهم و درک می‌شود. بر این اساس، «امنیت داخلی» وضعیتی است که در آن، اولاً هویت اجتماعی از ناحیه آسیب‌های مختلف داخلی و خارجی مصون باشد؛ دوم، بنیاد روابط سیاسی- اجتماعی بر مقوله رضایت و نه قدرت، استوار است (تریف، ۱۹۹۹: ۹۹).

نظرات اندیشمندان علوم اجتماعی-در پایگاه اقتصادی و اجتماعی- مغایرت‌هایی با هم دارد؛ به عنوان نمونه، مارکس با دید اقتصادی به جامعه می‌نگرد و واقعیت اساسی جامعه را مالکیت می‌داند و آن را در زیربنا قرار می‌دهد و سایر نهادهای اجتماعی و فرهنگی را در روبنا قرار می‌دهد (رفیع‌پور، ۱۳۷۵: ۲۰)؛ اما وبر معتقد است که فقط بُعد اقتصادی مهم نیست؛ وی دو بعد قدرت و حیثیت را نیز به آن اضافه می‌کند (سایستس، ۱۹۷۳). به باور دورکیم، مبنای امنیت اجتماعی عامل اخلاقی است، نه سیاسی یا اقتصادی و... . نفرگردی غیرارادی است که از درون جامعه خودبه‌خود می‌جوشد و آنچه حافظ نظم است، عنصر اخلاقی است (بشریه، ۱۳۷۴: ۴۸). مرتون^۱ تداوم گسست و شکاف میان الگوهای اهداف فرهنگی و هنجارها یا راه‌های نهادینه شده را موجب بی‌ثباتی جامعه می‌داند که در واقع همان «آنومی» است. در نظریه مرتون، جامعه وقتی دچار آنومی می‌شود که تعادل میان اهداف و ارزش‌های فرهنگی با راه‌ها و امکانات اجتماعی به هم

1. Merton

بریزد؛ بنابراین در صورت عدم تدبیر و تلاش فوری و همه‌جانبه برای حل مسائل اجتماعی مانند انحراف‌ها، با یک بحران اجتماعی روبرو خواهیم بود که در صورت نبود مدیریت مطلوب، به یک بحران امنیتی و سیاسی تبدیل خواهد شد (کوزر ولوزنبرگ، ۱۳۷۸: ۴۳۲). مولار^۱ (۱۳۸۲)، بر این عقیده است که امنیت در سه شکل اجتماعی، ملی و انسانی وجود دارد که پاسخ به سؤال اساسی «امنیت برای چه کسی است» یا به بیان دیگر، هدف مرجع امنیت در هر یک از این اشکال متفاوت است و به تناسب تفاوت در مراجع امنیت، تهدیدها نیز متفاوت خواهد بود. به باور سایتس اگر رخدادهای عینی یا تحولات نظری موجب سلب امکان واکنش مطلوب از انسان شود و هویت او به رسمیت شناخته نشود و انگیزه‌های او شکوفا نشود؛ معنای او از زندگی دگرگون می‌شود و انجام رفتار و تصمیم‌گیری عقلانی را با محدودیت مواجه می‌سازد و امکان کنترل اشخاص بر مدیریت رفتار خود را مختل می‌کند. همه این عوامل، در نهایت منجر به مخاطراتی برای امنیت جامعه انسانی محسوب می‌شود (کریمی، ۱۳۸۲: ۱۳۲). بر اساس نظریه «فشار اجتماعی»، عوامل و ویژگی‌های فردی به خصوص طبقه اجتماعی، تعیین کننده میزان احساس امنیت است و هر چه فرد از لحاظ وضعیت اقتصادی و رفاهی در موقعیت مناسب‌تری قرار داشته باشد؛ میزان احساس امنیت این فرد نیز بالاتر رفته و هر چه فرد به لحاظ اقتصادی ضعیف‌تر باشد و در تأمین نیازهای کمی و کیفی زندگی اش ناتوان باشد؛ در نتیجه احساس آسیب‌پذیری بیش‌تری می‌کند و به لحاظ داشتن احساس امنیت نیز در سطح پایین‌تری قرار می‌گیرد (کامران و شعاع برآبادی، ۱۳۸۹: ۴۱). به اعتقاد سمپسن و گروز^۲ (۱۹۸۹)، پایگاه اقتصادی پایین، به بی‌سازمانی اجتماعی می‌انجامد و به دنبال آن، میزان جرم و بزه‌کاری در اجتماع افزایش می‌یابد. کرو^۳ (۲۰۰۰) معتقد است که بین وضعیت اقتصادی و امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد. ایشان در پیرامون این گزاره استدلال می‌کند که فقرا غالباً از احساس امنیت کمتری نسبت به اقشار بالاتر از خود (به لحاظ اقتصادی) برخوردارند؛ به این خاطر که فقرا به دلیل عدم توانایی مالی، نمی‌توانند تدابیر امنیتی لازم را در حفاظت از خود و اموالشان به عمل آورند؛ هم‌چنین، فقرا به دلیل وابستگی بسیار به وسایل حمل‌ونقل عمومی، بیش

1. Mular
2. Smpsen and Kruz
3. Kru

از سیار اقشار در موقعیت‌های مخاطره‌آمیز قرار می‌گیرند؛ علاوه بر این، فقرا غالباً در محلاتی زندگی می‌کنند که میزان جرم آن بالاست و در نهایت، فقرا فاقد شبکه‌های اجتماعی هستند تا از طریق آن بتوانند اثر قربانی شدن خود را کاهش دهند و در مجموع این چهار عامل - با افزایش آسیب‌پذیری این قشر - احساس ناامنی را نیز در آن‌ها بالا می‌برد و تحقق پایداری اقتصادی با تقویت شاخص‌های عدالت اقتصادی، ثبات اقتصادی و رفاه اقتصادی تا حدود بسیار زیادی می‌تواند احساس امنیت را در بین توده مردم به ویژه قشر محروم جامعه بالا برده و میزان رضایتمندی آن‌ها را ارتقا بخشد.

پایداری اقتصادی، به معنی تقویت نظام اقتصادی و دستیابی به امنیت اقتصادی از نظر دستیابی به معیشت پایدار، در امور مستمر و باثبات، اشتغال سودمند و منابع مالی قابل اتکا و در نهایت، فناوری مقتضی و همساز با محیط با بهره‌برداری از منابع انسانی است (کمیته برنامه‌ریزی صنایع تبدیلی و تکمیلی و توسعه روستایی، ۱۳۸۲: ۱۰).

پایداری فعالیت‌های اقتصادی را از دیدگاه‌های مختلف، این‌گونه می‌توان تشریح کرد:

۱. موقعیتی را پایدار گویند که در آن، مطلوبیت جامعه در طول زمان کاهش نیابد؛
۲. موقعیتی را پایدار گویند که در آن، مدیریت منابع طبیعی به‌گونه‌ای باشد که فرصت‌های تولید و رشد اقتصادی همچنان برای آینده پایدار باقی بماند؛
۳. موقعیتی را پایدار گویند که در آن، در جریان رشد و توسعه اقتصادی، ذخایر سرمایه طبیعی کاهش نیابد؛

۴. موقعیتی را پایدار گویند که در آن، مدیریت منابع طبیعی به‌گونه‌ای باشد که عملکرد منابع به کار رفته کاهش نیابد (خلیلیان، ۱۳۸۴: ۱۳۵) و نیز، پایداری به عنوان وجه وصفی توسعه، وضعیتی است که در آن مطلوبیت و امکانات موجود در طول زمان کاهش نمی‌یابد و افزون بر این پایداری در معنای وسیع خود، به توانایی جامعه، اکوسیستم یا هر سیستم جاری برای تداوم کارکرد در آینده نامحدود اطلاق می‌شود؛ بدون این‌که از روی اجبار، در نتیجه تحلیل رفتن منابعی که سیستم بدان وابسته است یا با بار بیش از حد روی آن‌ها، به ضعف کشیده شود (گیلمن، ۱۹۹۶: ۱)

پیشینه پژوهش

نتایج مطالعات شهبازی و همکاران (۱۳۹۰)، در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر امنیت اجتماعی» نشان می‌دهد؛ شاخص‌های سهم اقتصاد ایران در

تولید جهانی و رشد درآمد سرانه بر میزان جرائم اثر منفی و معنادار داشته‌اند. آثار سه شاخص ضریب جینی، شاخص فلاکت (مجموع دو شاخص میزان بیکاری و تورم) و شاخص اعتماد با یک وقفه نیز مثبت و معنادار بوده است و با افزایش شکاف درآمدی (ضریب جینی) بیکاری و تورم و کاهش اعتماد مردم در کشور؛ میزان جرائم افزایش می‌یابد و در نتیجه، از امنیت اجتماعی کاسته می‌شود. یافته‌های پژوهش حاجلو و عباسی (۱۳۹۰)، با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی-اقتصادی نوجوانان و جوانان در استان اردبیل» نشان داد که متغیرهای احساس اعتماد اجتماعی، احساس نابرابری اجتماعی، سرمایه اجتماعی، تعلق ذهنی طبقاتی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، مشارکت و ارزیابی عملکرد نیروی انتظامی با متغیر وابسته رابطه داشته و توانسته ۴۴ درصد واریانس را تبیین کند. نبوی و همکاران (۱۳۸۸)، در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی و هویت قومی بر احساس امنیت اجتماعی»، نشان دادند که از مجموعه عوامل مورد بررسی مؤثر بر احساس امنیت متغیر احساس محرومیت نسبی و احساس بی‌قدرتی، اثر کاهنده‌ای دارند و متغیرهای هویت قومی و جنسیت نیز به ترتیب احساس امنیت جانی و احساس امنیت مالی افراد را تحت تأثیر قرار داده‌اند. مطالعات روی^۱ (۲۰۰۸)، با عنوان «امنیت، مهاجرت و اقتصاد بعد از ۱۱ سپتامبر در آمریکا» نشان داد که روش‌های نگرش آمریکاییان به امنیت تغییر یافته است و با وجود ادامه مهاجرت‌ها و اختصاص دادن سهم مهمی از اقتصاد آمریکا به خود، تعادلی بین نیازهای امنیتی و نیازهای اقتصادی برقرار شده است. پژوهش‌های دایجک و تورنولایت^۲ (۱۹۹۶)، حاکی از آن است که ترس از ناامنی، در میان ساکنان شهری و گروه‌های دارای درآمد پایین است. نتایج پژوهش‌های زدنر^۳ (۲۰۰۰)، نشان داد که بین درآمد و احساس امنیت رابطه وجود دارد و افراد با سطوح درآمد و تحصیلات بالاتر، نسبت به مردم فقیر بیش‌تر احساس امنیت می‌کنند. نتایج مطالعات احمدی و همکاران (۱۳۹۲)، با عنوان «تحلیل عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در نواحی روستایی» نشان داد که رابطه معناداری بین احساس امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی خانوارهای روستاهای مورد مطالعه وجود دارد و با افزایش

1. Roy
2. Dijk & Toornvliet
3. Zedner

سرمایه اجتماعی، احساس امنیت اجتماعی خانوارهای روستایی بهبود می‌یابد. نیشیاما و اسمترز^۱ (۲۰۰۹)، در یافته‌های خود به این نتیجه رسیدند که رفاه اقتصادی به ارتقای امنیت فرهنگی، امنیت مالی و امنیت شغلی جوامع روستایی منجر می‌شود. کوتلیکو و همکاران^۲ (۲۰۰۵)، در پژوهش خود نشان دادند؛ درجایی که شاخص‌های پایداری اقتصادی قوی است؛ افراد روستایی امنیت جانی، فکری و اقتصادی را در مناطق روستایی تجربه می‌کنند. مطالعات هتکوت و همکاران^۳ (۲۰۱۲)، مؤید این واقعیت است که بین ارتقای شاخص‌های پایداری اجتماعی با ارتقای مؤلفه‌های امنیت اجتماعی شامل امنیت احساسی، عاطفی، اخلاقی و امنیت جانی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. به باور کونزا و کروگر^۴ (۲۰۰۶)، پایداری اقتصادی مناطق روستایی، باعث بهبود امنیت شغلی، مالی و اقتصادی می‌شود. گالاسو و پروفتا^۵ (۲۰۰۵) در مطالعات میدانی خود به این نتیجه رسیدند که تقویت مؤلفه‌های پایداری اقتصادی از جمله رفاه اقتصادی و ثبات اقتصادی به امنیت حقوقی، مالی، قضایی، فرهنگی و نوامیس روستاییان و ... منجر می‌شود. مطالعات کیتائو^۶ (۲۰۰۵)، نشان داد که بین عدالت اقتصادی با امنیت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. کولی و سوارس^۷ (۲۰۰۷)، در مطالعات خود پیرامون تبیین رابطه بین پایداری اقتصادی و امنیت اجتماعی، دریافتند که با تقویت پایداری اقتصادی میزان امنیت شغلی، فکری، اخلاقی، مالی و حقوقی بالا می‌رود. درنهایت متغیرهای تحقیق - در خصوص بررسی مؤلفه‌های پایداری اقتصادی و احساس امنیت اجتماعی - در جدول (۱) و چارچوب نظری تحقیق - با توجه به مرور ادبیات و پیش‌نگاشته‌های موضوع و بر اساس اهداف پژوهش - در شکل (۱) ارائه شده است.

1. Nishiyama & Smetters
2. Kotliko
3. Heathcote
4. Conesa and Krueger
5. Cooley and Soares Co Cooley oley
6. Kitao
7. Kwok

جدول ۱: نتایج مطالعه‌های انجام شده

ردیف	نتایج مطالعه	مآخذ
۱	معناداری و اثر منفی شاخص‌های سهم اقتصاد ایران در تولید جهانی و رشد درآمد سرانه بر میزان جرائم	شهبازی و همکاران (۱۳۹۰)
۲	رابطه متغیرهای احساس اعتماد اجتماعی، احساس نابرابری اجتماعی، سرمایه اجتماعی، تعلق ذهنی طبقاتی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، مشارکت و ارزیابی عملکرد نیروی انتظامی با متغیر وابسته	حاجلو و عباسی (۱۳۹۰)
۳	اثر کاهنده دو متغیر احساس محرومیت نسبی و احساس بی‌قدرتی و تحت تأثیر قرار دادن متغیرهای هویت قومی و جنسیت نیز به ترتیب احساس امنیت جانی و احساس امنیت مالی افراد	نبوی و همکاران (۱۳۸۸)
۴	برقرار شدن تعادل بین نیازهای امنیتی و نیازهای اقتصادی و تغییر یافتن نگرش‌های آمریکاییان به امنیت	مطالعات روی (۲۰۰۸)
۵	پایین بودن ترس از ناامنی در میان ساکنان شهری و گروه‌های دارای درآمد پایین	دایچک و تورنولایت (۱۹۹۶)
۶	وجود داشتن رابطه بین درآمد و احساس امنیت و احساس امنیت بیش‌تر افراد با سطوح درآمد و تحصیلات بالاتر، نسبت به مردم فقیر	زدر (۲۰۰۰)
۷	وجود داشتن رابطه معنادار بین احساس امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی خانوارهای روستاهای و بهبود یافتن احساس امنیت اجتماعی خانوارهای روستایی با افزایش سرمایه اجتماعی	احمدی و همکاران (۱۳۹۲)
۸	منجر شدن رفاه اقتصادی به ارتقای امنیت فرهنگی، امنیت مالی و امنیت شغلی جوامع روستایی	نیشیاما و اسمترز (۲۰۰۹)
۹	وجود داشتن رابطه معنادار بین شاخص‌های پایداری اقتصادی قوی و تجربه امنیت جانی، فکری و اقتصادی افراد روستایی	کوتلیکو و همکاران (۲۰۰۵)
۱۰	وجود رابطه مستقیم و معنادار بین ارتقای شاخص‌های پایداری اجتماعی با ارتقای مؤلفه‌های امنیت اجتماعی شامل امنیت احساسی، عاطفی، اخلاقی و امنیت جانی	هتکوت و همکاران (۲۰۱۲)
۱۱	منجر شدن پایداری اقتصادی مناطق روستایی به امنیت شغلی، مالی و اقتصادی	کوتزا و کروگر (۲۰۰۶)
۱۲	منجر شدن تقویت مؤلفه‌های پایداری اجتماعی از جمله رفاه اقتصادی و ثبات اقتصادی به امنیت حقوقی، مالی، قضایی، فرهنگی و نوامیس روستاییان و ...	گالاسو و پروفنا (۲۰۰۵)
۱۳	وجود رابطه معنادار بین عدالت اقتصادی با امنیت اجتماعی	کیتانو (۲۰۰۵)
۱۴	بالا رفتن تقویت پایداری اقتصادی با میزان امنیت شغلی، فکری، اخلاقی، مالی و حقوقی	سوراس (۲۰۰۷)

منبع: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵)

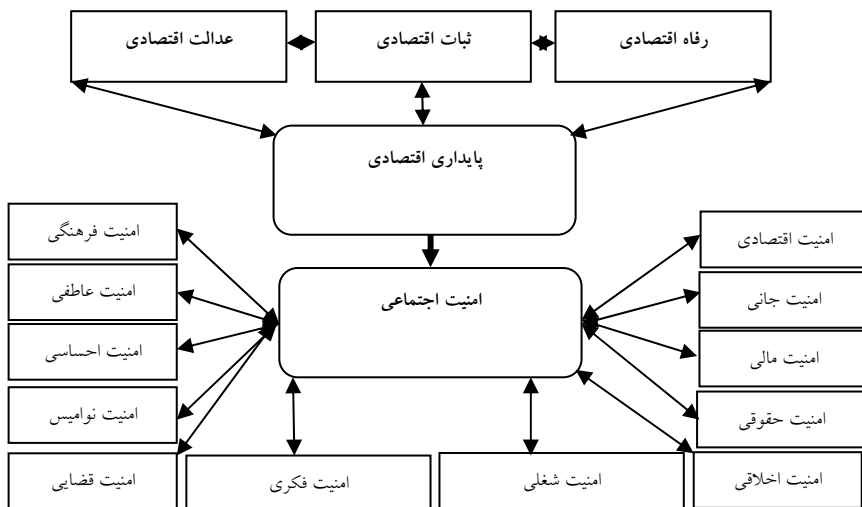
مدل مفهومی پژوهش

الگوی مفهومی پژوهش، تبلور ارتباط بین پایداری اقتصادی و امنیت اجتماعی است و همان‌طور که گفته شد؛ رشد اقتصادی و توسعه در همه زمینه‌ها، کلید پاسخ‌گویی به بسیاری از نیازهای شهروندان از جمله جوانان جویای کار است و تنها جامعه‌ای مولد، دارای رشد اقتصادی و به دور از فقر، می‌تواند برای دفاع خود و استقرار امنیت در سطح اجتماعی و ملی آمادگی داشته باشد؛ به همین علت، یکی از ابعاد اصلی و انکارناپذیر تأمین امنیت اجتماعی بشر، در قالب نیازهایی محدود می‌شود که زیربنای اصلی آن‌ها

اقتصاد است تا دغدغه احساسی افراد، برای برقراری امنیت و آرامش حل شود. بسیاری از نظریه پردازان توسعه، پایداری اقتصادی را زیربنای توسعه کشور در همه زمینه‌ها می‌دانند. در این ارتباط، مک‌نامار، لارنس و فریدمن و ایرانیان نیز پایداری اقتصادی را یکی از مؤلفه‌های اصلی تأمین امنیت می‌دانند؛ همچنین، علت بسیاری از ناامنی‌های اجتماعی را فقر، بیکاری، عدم ثبات اقتصادی، پایین بودن شاخص‌های رفاه اجتماعی و نازل بودن عدالت اقتصادی قلمداد می‌کنند. بررسی اسناد و مدارک نشان می‌دهد؛ یک اقتصاد شکوفا می‌تواند برای تک‌تک افراد خود سرمایه‌گذاری کند. بالا رفتن سطح بهداشت و درمان، آموزش عمومی و آموزش‌های تخصصی، افزایش طول عمر، بالا رفتن سطح زندگی و به‌طور کلی احساس امنیت و آرامش، همه در پرتو رشد و توسعه اقتصادی به دست می‌آید و ریشه و خمیرمایه هرگونه امنیت اجتماعی، شکوفایی اقتصاد و افزایش تولید و پایداری اقتصادی است. کرو^۱ (۲۰۰۰) را اعتقاد بر این است که بین وضعیت اقتصادی و امنیت اجتماعی، رابطه وجود دارد. ایشان در پیرامون این گزاره استدلال می‌کند که فقرا، غالباً از احساس امنیت کمتری نسبت به اقشار بالاتر از خود (به لحاظ اقتصادی) برخوردارند؛ به این خاطر که فقرا به دلیل عدم توانایی مالی، نمی‌توانند تدابیر امنیتی لازم را در حفاظت از خود و اموالشان به عمل آورند؛ هم‌چنین، فقرا به دلیل وابستگی بسیار به وسایل حمل‌ونقل عمومی، بیش از سایر اقشار در موقعیت‌های مخاطره‌آمیز قرار می‌گیرند؛ علاوه بر این، فقرا غالباً در محلاتی زندگی می‌کنند که میزان جرم آن بالاست؛ درنهایت، فقرا فاقد شبکه‌های اجتماعی هستند تا از طریق آن بتوانند اثر قربانی شدن خود را کاهش دهند و در مجموع این چهار عامل با افزایش آسیب‌پذیری این قشر، احساس ناامنی را نیز در آن‌ها بالا می‌برند و تحقق پایداری اقتصادی با تقویت شاخص‌های عدالت اقتصادی، ثبات اقتصادی و رفاه اقتصادی، تا حدود بسیار زیادی می‌تواند احساس امنیت را در بین توده مردم- به ویژه قشر محروم جامعه- بالا برده و میزان رضایتمندی آن‌ها را ارتقا بخشد. در این پژوهش، فرض بر این است که ارتقای شاخص‌های پایداری اقتصادی از جمله رفاه اقتصادی، ثبات اقتصادی و عدالت اقتصادی به تحقق امنیت اجتماعی کمک می‌کند. امروزه به امنیت با رویکرد اقتصادی نگاه می‌شود؛ تا حدی که بُعد اقتصادی امنیت ملی، جای بُعد نظامی امنیت

1.Kru

ملی را گرفته است. در مقاله حاضر، فرض بر این است که تأمین امنیت، تنها در دست نیروهای نظامی نیست؛ بلکه بسته به پایداری اقتصادی، فکر و خلاقیت انسان و حاصل اراده و عملکرد خود انسان است و امروزه امنیت پایدار و اقتصاد پایدار، به یکدیگر وابسته بوده و هم‌افزایی دارند؛ همچنین، ارتقای شاخص‌های رفاه اجتماعی، ثابت اقتصادی و عدالت اقتصادی به تقویت احساس امنیت اجتماعی در مناطق روستایی منتهی می‌شود و از آنجایی که بیشتر فقرای کشور، در مناطق روستایی زندگی می‌کنند؛ عدم توجه به توسعه اقتصادی مناطق روستایی مشکلات مختلف امنیتی ایجاد خواهد کرد.



شکل ۱: چارچوب نظری پژوهش (مآخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵)

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، با هدف کلی «تبیین رابطه پایداری اقتصادی با احساس امنیت اجتماعی ساکنان مناطق روستایی شهرستان اردبیل»، در سال ۱۳۹۵ صورت گرفته؛ همچنین تحقیق حاضر، از نوع کاربردی و به روش تحلیلی-تبیینی بوده و به روش جمع‌آوری اطلاعات بر اساس مطالعه اسنادی، کتابخانه‌ای و مطالعه میدانی انجام شده است. جهت جمع‌آوری اطلاعات، از طریق پرسش‌نامه به روستاییان بالای ۱۵ سال ساکن در مناطق روستایی شهرستان اردبیل که جامعه آماری تحقیق را شامل می‌شود، مراجعه شد که در

این بین، تعداد کل روستاییان بالای ۱۵ سال شهرستان اردبیل (۸۵۰۵۳) نفر برآورد شد؛ علاوه بر این، جهت تعیین حجم نمونه روستاییان ساکن در مناطق روستایی شهرستان اردبیل از فرمول کوکران استفاده شد و درنهایت، حجم نمونه تعداد روستاییان (۳۸۳) نفر تعیین شد. تعداد کل روستاهای منطقه مورد مطالعه، ۳۲۹ روستا بود که انتخاب روستاهای نمونه تحقیق، با در نظر گرفتن تعداد کل روستاها، تعداد جمعیت، دوری و نزدیکی نسبت به شهر، شاخص وضعیت ارتفاعی (کوهستانی، جلگه‌ای، جلگه‌ای - کوهستانی) و قرارگیری روستا در کنار جاده اصلی و یا دور از جاده اصلی، پتانسیل‌های اقتصادی، اجتماعی و محیطی؛ تعداد روستاهای نمونه تحقیق، بر اساس نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای، ۲۱ روستا تعیین و همان طوری که ذکر شد؛ داده‌های خام برای اندازه‌گیری شاخص‌ها از طریق مصاحبه، مشاهده، پرسش‌نامه، اسناد و مدارک گردآوری گردید. در این پژوهش، با مطالعه مناطق روستایی شهرستان اردبیل، درنهایت ۳ شاخص پایداری اقتصادی به صورت غربال‌زنی به عنوان شاخص‌های پایداری اقتصادی، از میان خیل عظیم شاخص‌ها انتخاب شده است. ابزار اندازه‌گیری پرسش‌نامه محقق ساخته است. روایی صوری^۱ پرسش‌نامه، توسط پانل متخصصان^۲ مورد تأیید قرار گرفت. مطالعه راهنما^۳ در منطقه مشابه جامعه آماری با تعداد ۳۰ پرسش‌نامه صورت گرفت و با داده‌های کسب شده و استفاده از فرمول ویژه کرونباخ آلفا در نرم‌افزار SPSS، پایایی^۴ بخش‌های مختلف پرسش‌نامه تحقیق ۰/۷۲ الی ۰/۸۱ به دست آمد. متغیرهای مستقل این تحقیق، شامل مؤلفه‌های پایداری اقتصادی (عدالت اقتصادی، ثبات اقتصادی و رفاه اقتصادی) و متغیر وابسته، شامل شاخص‌های امنیت اجتماعی (امنیت جانی، امنیت مالی، امنیت اقتصادی، امنیت شغلی، امنیت اخلاقی، امنیت حقوقی، امنیت نوامیس، امنیت فرهنگی، امنیت عاطفی، امنیت احساسی، امنیت فکری و امنیت قضایی) مناطق روستایی است. برای تجزیه و تحلیل، از آمار توصیفی (فراوانی، درصد) و آمار استنباطی، شامل ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر استفاده شده است و کلیه محاسبات آماری این پژوهش، به وسیله نرم‌افزار SPSS، انجام گرفته است.

1.Face Validity
2.Panel of Expert
3.Pilot study
4.Reliability

قلمرو مورد مطالعه

اردبیل، یکی از شهرستان‌های استان اردبیل و مرکز آن است. وسعت این شهرستان ۳۸۱۰ کیلومتر مربع است و چهره عمومی شهرستان اردبیل، متأثر از ارتفاعات کوهستان‌های سبلان، طالش و بزغوش است که این عوامل طبیعی، سبب محصور شدن آن شده‌اند. این شهرستان - به عنوان یکی از مناطق سردسیر ایران - بین پنج تا هشت ماه از سال سرد است. اردبیل، از شمال به شهرستان نمین، از جنوب به گیوی، از غرب به مشکین‌شهر و از شرق به استان گیلان محدود است. جمعیت این شهرستان - بر اساس سرشماری سراسری سال ۱۳۹۰ ایران - برابر با ۲۷۴۲۰۵ نفر است که از این بین، ۱۵۰۹۴۱ نفر در نقاط شهری و ۱۲۳۲۶۴ نفر در نقاط روستایی ساکن هستند. این شهرستان دارای ۳ شهر به نام اردبیل، هیر و سرعین است. هم‌چنین، شهرستان اردبیل دارای سه بخش، ۱۱ دهستان، ۳۲۹ آبادی دارای سکنه است. در نهایت نقشه شماره (۱) محدوده مورد مطالعه را در سطح کشور و توزیع جغرافیایی روستاها را در محدوده شهرستان نشان می‌دهد.



نقشه ۱: پراکنش فضایی نقاط روستایی شهرستان اردبیل
منبع: (حیدری ساریان، ۱۳۹۳)

یافته‌های پژوهش

الف) یافته‌های توصیفی

نتایج حاصل از یافته‌های توصیفی در جدول (۲) نشان می‌دهد؛ وضعیت رفع فقر ۶۵/۵۷ درصد پاسخ‌گویان در سطح زیاد و خیلی زیاد و ۲۰/۰۶ درصد در سطح خیلی کم و کم برآورد شد. در مورد متغیر میزان سازگاری با محیط وضعیت ۱۹/۲۴ درصد از پاسخ‌گویان در سطح زیاد و خیلی زیاد و ۵۷/۱ درصد در سطح خیلی کم و کم برآورد شد. در مورد متغیر کاهش آسیب‌پذیری بیش‌ترین فراوانی با ۲۹/۱۳ درصد در سطح زیاد و کم‌ترین فراوانی با ۱۳/۰۹ درصد در سطح کم ارزیابی شدند. در مورد متغیر تنوع‌بخشی وضعیت ۵۳/۱۵ درصد از پاسخ‌گویان در سطح زیاد و خیلی زیاد و ۲۶/۴۴ درصد در سطح خیلی کم و کم برآورد شد. در مورد وضعیت میزان کارایی ۵۴/۶ درصد از پاسخ‌گویان با میانگین ۳/۷۸ و انحراف معیار ۳/۱۵ در سطح زیاد و خیلی زیاد و ۲۲/۲۶ درصد در سطح خیلی کم و کم و ۲۳/۱۴ درصد در سطح متوسط ارزیابی شدند. در مورد وضعیت متغیر بهره‌وری ۵۸/۹۸ درصد از پاسخ‌گویان با میانگین ۳/۵۴ و انحراف معیار ۲/۴۶ در سطح زیاد و خیلی زیاد و ۱۶/۲۶ درصد در سطح خیلی کم و کم و ۲۵/۱۳ درصد در سطح متوسط ارزیابی شدند.

جدول ۲: درصد فراوانی، میانگین و انحراف معیار مؤلفه‌های پایداری اقتصادی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی

ردیف	متغیر	میانگین	انحراف معیار	درصد پاسخ‌گویان (%)			
				خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم و خیلی کم
۱	رفع فقر	۸/۲۹	۹/۲۱	۱۸/۷۵	۲۷/۳۲	۳۶/۴۳	۵/۱۲
۲	سازگاری با محیط	۳۲/۶۸	۲۵/۴	۲۱/۸۳	۱۳/۵۶	۶/۵۳	۴/۹۸
۳	کاهش آسیب‌پذیری	۶/۳۹	۱۶/۲۳	۱۸/۹۴	۲۲/۵۳	۳۵/۹۱	۴/۵۶
۴	تنوع‌بخشی	۱۲/۳۱	۱۵/۱۸	۱۴/۴۹	۲۶/۳۸	۳۱/۶۴	۴/۵۵
۵	کارایی	۳۰/۹۴	۲۸/۷۶	۱۴/۷۶	۱۴/۲۱	۱۱/۳۳	۳/۷۸
۶	بهره‌وری	۱۴/۴۲	۹/۲۶	۲۵/۱۳	۲۲/۰۹	۲۹/۱	۳/۵۴

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

ب) یافته‌های استنباطی

همبستگی بین مؤلفه‌های پژوهش مبنی بر تبیین رابطه پایداری اقتصادی و احساس امنیت اجتماعی

اطلاعات مندرج در جدول (۳)، در ارتباط با متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد به جز متغیر سازگاری با محیط بین تمامی متغیرهای پژوهش (رفع فقر، کاهش آسیب‌پذیری، تنوع‌بخشی، کارایی و بهره‌وری) با احساس امنیت اجتماعی در مناطق روستایی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

جدول ۳: همبستگی بین متغیرهای پژوهش

ردیف	متغیرها	ضریب همبستگی (r)	سطح معناداری (p)
۱	رفع فقر	۰/۵۲۱	۰/۰۰۰
۲	سازگاری با محیط	۰/۱۹۸	۰/۳۲۵
۳	کاهش آسیب‌پذیری	۰/۵۹۶	۰/۰۰۶
۴	تنوع‌بخشی	۰/۴۶۸	۰/۰۰۲
۵	کارایی	۰/۶۸۵	۰/۰۰۰
۶	بهره‌وری	۰/۷۱۱	۰/۰۰۰

منبع: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵)

نتایج رگرسیون چند متغیره

همان‌طوری که جدول (۴) نشان می‌دهد؛ در این روش بر اساس بتای استاندارد به دست آمده متغیرهای رفع فقر، کاهش آسیب‌پذیری، کارایی و بهره‌وری به ترتیب به عنوان متغیرهایی بودند که بیش‌ترین سهم را در میزان تغییرات متغیر وابسته داشتند؛ بنابراین، این متغیرها در الگوی نهایی باقی مانده و بقیه متغیرها از معادله حذف شدند. نتایج نشان می‌دهد که این متغیرهای پیش‌بین، ۴۱ درصد ($R^2 = 41$) از میزان واریانس متغیر وابسته (احساس امنیت اجتماعی) را پیش‌بینی می‌کنند. ضریب تغییر بیانگر این است که متغیرهای دیگری نیز در میزان احساس امنیت اجتماعی، تأثیرگذار بوده‌اند که در مطالعه حاضر بررسی نشده است.

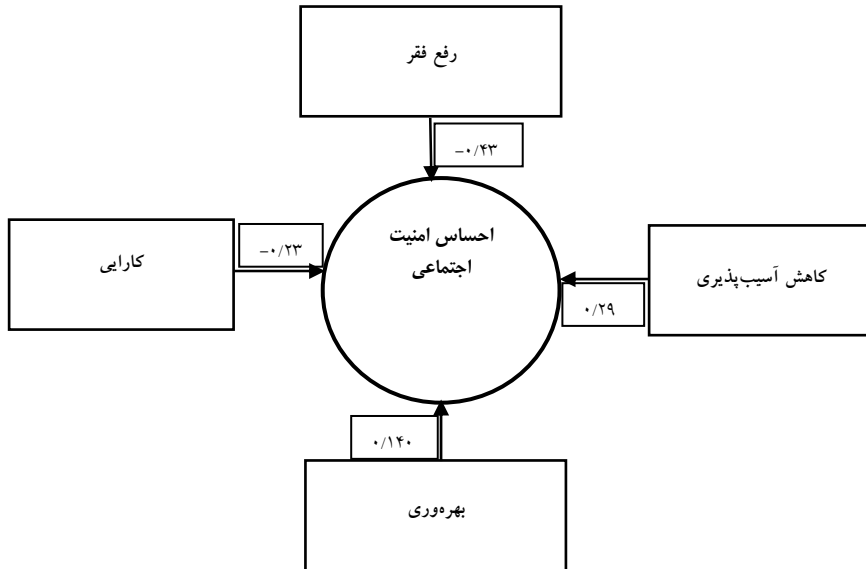
جدول ۵: نتایج حاصل از رگرسیون چندگانه با ورود متغیرهای مؤلفه‌های پایداری اقتصادی به معادله

الگو	R	R^2	R^2 تعدیل شده	مقدار F	سطح معناداری F	Beta	مقدار t	مقدار p
رفع فقر	۰/۵۶۹	۰/۳۲۴	۰/۳۲۱	۵۹/۰۳	۰/۰۰۰	-۰/۴۳۶	۵/۸۸	۰/۰۰۰
کاهش آسیب‌پذیری	۰/۶۰۴	۰/۳۶۴	۰/۳۵۸	۵۶/۴۴	۰/۰۰۰	-۰/۲۹۵	-۴/۵۶	۰/۰۰۰
کارایی	۰/۶۳۲	۰/۴۰۰	۰/۳۹۰	۴۳/۴۹	۰/۰۰۰	-۰/۲۳۹	-۳/۳۵	۰/۰۰۱
بهره‌وری	۰/۶۴۲	۰/۴۱۲	۰/۴۰۰	۳۴/۲	۰/۰۰۰	۰/۱۴۰	۲/۰۴	۰/۰۴۲

متغیرهای مستقل

منبع: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵)

درنهایت، اطلاعات مندرج در شکل (۳)، نشان می‌دهد؛ بر اساس نتایج حاصل از ضریب بتا^۱، سهم و نقش متغیر «بهره‌وری» در تبیین متغیر وابسته «احساس امنیت اجتماعی» بیش‌تر از سایر متغیرها است و متغیرهای کارایی، کاهش آسیب‌پذیری و رفع فقر به ترتیب در اولویت بعدی قرار گرفتند.



شکل ۳: اهمیت نسبی متغیرهای مستقل در تبیین متغیر وابسته

منبع: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵)

همان‌طور که در شکل فوق قابل‌رؤیت است، از بین متغیرهای پایداری اقتصادی؛ متغیرهای رفع فقر، کاهش آسیب‌پذیری، کارایی و بهره‌وری، بیش‌ترین تأثیر را در تقویت احساس امنیت اجتماعی جوامع روستایی دارند. در تبیین این ارتباط باید گفت که فقر زمینه‌ساز بسیاری از ناهنجاری‌ها و ناامنی اجتماعی است. در بستر فقر، شرایط بروز ناامنی‌های اجتماعی فراهم است؛ آن‌گونه که ایستادن بر پرتگاه، زمینه سقوط به دره را فراهم می‌کند و به نحوی که بارها دیده شده است که فقر اقتصادی و ناکارآمدی‌های اقتصادی حتی منجر به آشوب‌های گسترده و ایجاد ناآرامی‌های بزرگ و براندازانه در نقاط مختلف دنیا شده است؛ بنابراین ایجاد یک زیربنای اقتصادی مستحکم و پایدار، مهم‌ترین عنصری است که می‌تواند تضمین‌کننده بخش بزرگی از امنیت عمومی باشد. پس با بهبود کارایی اقتصادی از منظر اشتغال‌زایی، کاهش بیکاری، تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی از جمله توسعه گردشگری روستایی و استقرار صنعت در مناطق روستایی، افزایش بهره‌وری، افزایش میزان تولید و ...، احساس امنیت اجتماعی در مناطق روستایی تقویت می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

امنیت، پدیده چندبُعدی است و مطالعه میزان امنیت در یک جامعه به لحاظ عوامل مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی امکان‌پذیر است؛ اما عموم صاحب‌نظران بر این باورند که میزان احساس امنیت در یک جامعه، به اندازه وجود آن اهمیت دارد. چون واکنش‌هایی که فرد در جامعه، در قبال عدم امنیت بروز خواهد داد، تابع میزان دریافت و ادراک او از امنیت خواهد بود؛ بنابراین، احساس امنیت، متغیری کلیدی در این خصوص محسوب می‌شود. از دیگر سو آگاهی از میزان احساس آسایش، آرامش، عدالت و امنیت از سوی شهروندان یک جامعه و فراهم آوردن زمینه‌های شکل‌گیری و بسط احساس امنیت و آرامش خاطر در آن‌ها، از اولویت‌های برنامه‌ریزان پیشرفت فرهنگی و اجتماعی خواهد بود؛ پس توجه به وضعیت مقوله احساس امنیت اجتماعی در یک جامعه و به خصوص توجه به نقش جالب توجه پایداری اقتصادی در تبیین میزان احساس امنیت اجتماعی که اثری غیرقابل انکار در تقویت و تربیت روحیه‌ی پیشرفت و توسعه اجتماعی و فرهنگی در نسل آینده داشته و به عنوان یکی از بازوان توسعه همه‌جانبه آن جامعه قلمداد می‌شوند،

ضروری به نظر می‌رسد. همان‌طور که بیان شد؛ این مقاله نقش پایداری اقتصادی را در احساس امنیت اجتماعی روستاییان شهرستان اردبیل، مورد بحث و بررسی قرار داده است. در این ارتباط، یافته‌های استنباطی تحقیق نشان داد که به جز متغیر سازگاری با محیط، بین تمامی متغیرهای پژوهش (رفع فقر، کاهش آسیب‌پذیری، تنوع‌بخشی، کارایی و بهره‌وری) با احساس امنیت اجتماعی در مناطق روستایی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این یافته با نتایج حاصل از پژوهش‌های (تامیر و سالیح، ۲۰۰۳)، (هپوود و همکاران، ۲۰۰۳) هم‌خوانی دارد. هم‌چنین نتایج حاصل از آزمون فرضیه تحقیق - به وسیله رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام - نشان داد؛ شش متغیر رفع فقر، سازگاری با محیط، کاهش آسیب‌پذیری، تنوع‌بخشی، کارایی و بهره‌وری بر اساس میزان بتای به دست آمده، به ترتیب به عنوان مؤثرترین متغیرهای تبیین‌کننده بهبود احساس عدالت اجتماعی معرفی شدند. مقدار ضریب تعیین در گام ششم برای این شش متغیر ۰/۴۱ به دست آمده است. این یافته با نتایج حاصل از (پروفتا، ۲۰۱۰) و (پاچکو، ۲۰۱۰) مطابقت دارد. درنهایت، اطلاعات مندرج در شکل (۲)، نشان داد؛ بر اساس نتایج حاصل از ضریب بتا، سهم و نقش متغیر «بهره‌وری» در تبیین متغیر وابسته «احساس امنیت اجتماعی»، بیش‌تر از سایر متغیرها است و متغیرهای کارایی، کاهش آسیب‌پذیری و رفع فقر به ترتیب در اولویت بعدی قرار گرفتند.

پیشنهادها

با استناد به نتایج استنباطی پژوهش، توصیه می‌شود که متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی روستاییان با تأکید بر بخش کشاورزی و افزایش درآمد روستاییان از طریق فعالیت‌های مرتبط با کشاورزی، همچون صنایع دستی و فرآوری محصولات و نیز مشاغل خانگی در راستای ارتقای احساس امنیت اجتماعی جوامع روستایی مدنظر قرار گیرد که این پیشنهاد در راستای افزایش کارایی اقتصادی مناطق روستایی است که در قالب فرضیه پژوهش به اثبات رسیده است.

افزون بر این، در راستای نیل به نتیجه دقیق‌تر در خصوص مطالعه پیوند بین پایداری اقتصادی و احساس امنیت اجتماعی، از دو روش کمی و کیفی هم‌زمان استفاده شود؛ علاوه بر این، ضرورت انجام مطالعات طولی به جای مطالعات مقطعی در زمینه موضوع

مورد مطالعه و موارد مشابه احساس می‌شود و انجام این مطالعات به جای مطالعات مقطعی صورت گیرد. علاوه بر این، برنامه‌ریزان توسعه روستایی باید نهایت تلاش خود را به کارگیرند تا تعادل بین نیازها و فرصت‌های موجود در راستای پایداری اقتصادی برقرار شود تا افراد روستایی دغدغه کمتری در تأمین نیازهای خود جهت ارتقای کیفیت زندگی خود احساس کنند که این پیشنهاد در راستای کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی مناطق روستایی است که در قالب فرضیه پژوهش به اثبات رسیده است و نیز، بر دولت است که با توسعه گردشگری روستایی و استقرار صنعت در مناطق روستایی، زمینه اشتغال‌زایی و کاهش بیکاری آشکار و پنهان روستاییان را فراهم سازد و از مهاجرت آن‌ها به مناطق شهری که به رهایی روستاییان از فشارهای هنجاری مناطق روستایی می‌انجامد؛ ممانعت به عمل آورد و متعاقب آن، زمینه بروز ناهنجاری‌های اجتماعی و به دنبال آن کاهش احساس امنیت اجتماعی را تقلیل دهد که این پیشنهاد در راستای تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی در مناطق روستایی است که در قالب فرضیه پژوهش به اثبات رسیده است. در پایان، بر دولت است؛ که در راستای تقویت احساس امنیت اجتماعی ساکنان مناطق روستایی؛ استفاده از سیاست‌های پولی و مالی و هم‌چنین سیاست‌های توزیع درآمدی برای کاهش شکاف طبقاتی درآمدی بین شهر و روستا و افزایش رشد اقتصادی و درآمد سرانه لازم را در اولویت‌های سیاست‌های توسعه‌ای خود قرار دهد که این پیشنهاد در راستای افزایش بهره‌وری مناطق روستایی است که در قالب فرضیه پژوهش به اثبات رسیده است.

منابع

- بختیاری، تقی؛ رجبی، مهدی و حمید هاشمی (۱۳۹۱)، **بررسی تأثیر مهاجرت بر امنیت اجتماعی**، سال ۷، شماره ۴، صص ۱۵۸-۱۳۹.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۴)، **انقلاب و بسیج سیاسی**، تهران: انتشارات سمت.
- بوزان، باری (۱۳۷۸)، **مردم، دولت‌ها و هراس**، ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
- ترابی، یوسف و آیت‌گودرزی (۱۳۸۵)، **ارزش‌ها و امنیت اجتماعی**، فصلنامه دانش

انتظامی، سال ششم، شماره ۲، صص ۶۵-۴۵.

- تری، تریف (۱۹۹۹)، **مطالعات امنیتی نوین**، ترجمه: علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- حاجلو، نادر و رسول عباسی (۱۳۹۰)، بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی - اقتصادی نوجوانان و جوانان در استان اردبیل، **پژوهش‌نامه جامعه‌شناسی جوانان**، سال اول، شماره اول، صص ۷۶-۵۹.

- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۴)، چارچوب روش‌شناختی برای بررسی احساس امنیت اجتماعی، **فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی**، چاپ اول، تهران: معاونت اجتماعی ناجا.

- رشیدی، علی (۱۳۷۹)، نقش تحولات اقتصادی بر متغیرهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، **اطلاعات سیاسی - اقتصادی**، شماره‌های ۱۸۱ و ۱۸۲، صص ۴۲-۳۲.

- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۵)، **جامعه، احساس و موسیقی**، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ ۱ و ۳.

- سعیدی، عباس (۱۳۷۷)، توسعه پایدار و ناپایداری توسعه روستایی، **فصلنامه تخصصی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی**، شماره ۳۴، صص ۲۵-۵.

- شهبازی، نجف‌علی؛ صادقی عمرآبادی، بهروز و سیدعلیرضا عزیزموسوی (۱۳۹۰)، **بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر امنیت اجتماعی**، سال چهارم، شماره دوازدهم، صص ۱۴۳-۱۲۵.

- فوکو، میشل (۱۹۷۶)، **باید از جامعه دفاع کرد**، ترجمه رضا نجف زاده، تهران: انتشارات رخداد نو.

- کارگر، بهمن و رحیم سرور (۱۳۹۰)، **شهر، حاشیه و امنیت اجتماعی**، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی.

- کامران، حسن و علی شعاع برآبادی (۱۳۸۸)، بررسی امنیت شهری در شهرها مرزی (مطالعه موردی: شهر تایپا)، **فصلنامه جغرافیا**، سال ۸، شماره ۲۵، صص ۴۶-۲۵.

- کریمی، یوسف (۱۳۸۵)، روان‌شناسی اجتماعی، نظریه‌ها، مفاهیم و کاربردها، چاپ چهارم، تهران: ارسباران.

- کمیته برنامه‌ریزی و صنایع تبدیلی و تکمیلی و توسعه روستایی (۱۳۸۲)، گزارش محوری توسعه روستایی، تدوین برنامه چهارم، تهران: وزارت جهاد کشاورزی، معاونت صنایع تبدیلی و تکمیلی و توسعه روستایی.

- کورز، لوئیس و برنارد روزنبرگ (۱۳۸۶)، نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی، تهران: نشر نی.

- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸)، تجدد و تشخص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.

- محمدی، علی؛ امیری، یاسر و محمد جبر (۱۳۹۳)، اولویت‌بندی وضعیت شاخص‌های امنیت اجتماعی و رتبه‌بندی استان‌های کشور از نظر سطح امنیت اجتماعی با استفاده از روش تحلیل رابطه‌ای، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال ۶، شماره ۳، صص ۳۳-۷.
- نبوی، سید عبدالحسین؛ حسین زاده، علی حسین و سیده هاجر حسینی (۱۳۸۹)، بررسی عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی، جامعه‌شناسی کاربردی.

- نوید نیا، منیژه (۱۳۸۸)، امنیت اجتماعی، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- یآوری بافقی، امیرحسین؛ صالحی صدقیانی، جمشید و صدیقه‌سادات هاشمی (۱۳۸۹)، تعیین تأثیر قاچاق مواد مخدر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (امنیت ملی)، پژوهش‌های مدیریت انتظامی، ۵ (۴)، ۶۰۷-۵۸۵.

-Conesa, J. C. and D. Krueger (2006), Social security with heterogeneous agents. Review of Economic Dynamics, 2 (4), 757-795.

-Cooley, T., Soares, J (2007), Privatizing social security, Reviw of Economic Daynamics, 2 (5), 731-755.

-Crow G (2002), Social solidarities: theories, identities and social change. Buckingham: Open University Press.

- Dijk, J.J.M.Van, L.G.Toornvliet (1996), Towards a Euro barometer of public safety, report presented at the seminar on the prevention of urban delinquency linked to drugs dependence, European Commission, 21-22November Brussels, Leiden.1-12
- Galasso, V., Profeta, P (2005), The political economy of social security: a survey, *European Journal of Political Economy*, 1(8), 1-29.
- Gilman-Robert (1996), Sustainability, (on line)<[http:// www.context.org / ICLIB/ DEFS/ AIADef.html](http://www.context.org/ICLIB/DEFS/AIADef.html)
- Grabosky, P. (1995) "Fear of crime and fear reduction strategies". Trends and issues in crime and criminal Justice, Nro. 44, Australian Institute of Criminology, Canberra, PAG
- Heathcote, J., K. Storesletten, and G. L. Violante (2012), The macroeconomic implications of rising wage inequality in the United States. *Journal of Political Economy*, 118 (4), 681-722.
- Hopwood, B, Mellor, M, and Obrien, G (2005), "Sustainable development: mapping different approaches". *Sustainable Development*, 13(2), 38-52.
- Kitao, S (2012), Sustainable social security: Four options, Federal reserve bank of New York. Staff Reports, Staff Report no. 505, JEL classification: E2, E6, H55, J2.
- Kotliko, L., K. Smetters, and J. Walliser (2005), Privatizing social security in the United States comparing the options. *Review of Economic Dynamics*, 2 (3),532-574.
- Nishiyama, S. and K. Smetters (2009), Does social security privatization produce efficiency gains? *Quarterly Journal of Economics*, 122 (4), 1677-1719.
- Pacheco, F (2001) 'Rural Communities in Huambo', in *Communities and Reconstruction in Angola*, Development Workshop, 2(5), 25-63.
- Profeta, P (2010), The political economy of retirement and social security, Ph.D. Thesis, Department of Economics, Columbia University of New York and Universidad Pompeu Fabra.
- Roy, N (2008), Balancing the tripod: security, immigration and the economy In the Post-9/11 United States.
- Sites, P. (1973), Control. The basis of social order. New York.

-Thamir, M. Salih, P (2003), "Sustainable economic development and the environment". International Journal of Social Economics. 30 (1), 153-162.

-Weaver, D. (2010). Social security and social support. Journals of Gerontology, 61 (1), 24-34.

-Zedner. Lucia(2003)«Too much security?», International Journal of the Sociology of Law, 31,155-184.

